

فصلنامه علمی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال یازدهم، شماره بیست و چهار، پاییز ۹۹، صفحات ۱-۱۸

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۲۶

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۰۹/۱۱

مطالعه سیر تاریخی قانون جدید ازدواج در ایران معاصر

زهرا حاتمی^۱

چکیده

تصویب قانون جدید ازدواج در ایران در سال ۱۳۱۰ ش. نقطه عطفی در تحول و تجدد امر ازدواج در ایران بود. این پژوهش در پی آن است تا سیر تاریخی تصویب این قانون و تأثیر آن بر زندگی دختران، زنان و خانواده‌های ایرانی را بررسی کند. فرضیه تحقیق حاضر آن است که آنچه در سال ۱۳۱۰ ش. به اجبار و با دخالت دولت رخ داد، بر پایه تغییر ذهنیت عمومی از دوره قاجاریه به این سوی استوار بود که در آن دو مفهوم مهم و بنیادین کودکی و ازدواج تغییر کرده و میزان تأثیر سبک و شیوه زندگی کودک و زن ایرانی بر سرنوشت وطن مورد توجه قرار گرفته بود. این قانون گرچه بنیان شرعی ازدواج را تغییر نداد اما تغییراتی اساسی در روند زندگی روزمره خانواده ایرانی ایجاد کرد. افزایش مدت زمان کودکی برای دختران که زمینه‌ساز فرصت بیشتر برای آموزش آنان بود، حفظ سلامت و تندرستی کودک و مادر ایرانی و افزایش جمعیت متعاقب آن در کنار امکان حضور فعال زنان در اجتماع و اقتصاد از جمله پیامدهای ملموس این قانون بود. باین حال اعمال سخت‌گیرانه قانون جدید، امر ازدواج را به محلی برای نزاع نابرابر میان دستگاه قضایی به نمایندگی از حکومت و خانواده‌های ایرانی تبدیل کرد.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، کودکی، زنان، تجدد، رضاشاه، قانون ازدواج.

Study of the Historical Course the New Marriage Law in Contemporary Iran

Z. Hatami¹

Abstract

The adoption of the new marriage law in Iran in 1310 (AH) was a turning point in the evolution and modernization of marriage in Iran. This study seeks to examine the historical course of the adoption of this law and its impact on the lives of the Iranian girls, women and families. It is hypothesized that what has happened in the year 1310 (AH) by force and with the intervention of the government, was based on the change of public mentality from the Qajar period onwards. In fact, the two important and fundamental concepts of childhood and marriage were changed and the style of lives of Iranian children and women were considered to be effective on the fate of the homeland. Although this law did not change the legal basis of marriage, it did bring about fundamental changes in the daily life of the Iranian family. Increasing the period of childhood for girls which provided more opportunities for their education, maintaining the health of Iranian children and mothers, and the subsequent increase in population along with the possibility of active participation of the women in the society and the economy, were among the tangible consequences of this law. However, the strict application of the new law made marriage a scene of unequal conflict between the judiciary representing the Iranian government and the Iranian families.

Keywords: Marriage, Childhood, Women, Modernity, Reza Shah, Marriage Law.

1 . Assistant Professor, University of Tehran, Tehran, Iran

zahra.hatami1363@gmail.com

۱. مقدمه

علی‌رغم انتشار آثار بسیاری درباره تاریخ ازدواج در غرب (کونتز، ۱۳۸۷؛ Goodsell, 1935؛ Outhwaite, 1981؛ Quala, 1988؛ Stones, ۱۹۹۲) و با وجود حجم انبوهی از اطلاعات مرتبط با سنت‌ها، باورها و قوانین عرفی و شرعی ازدواج در سفرنامه‌ها، خاطرات نوشته‌ها، متون ادبی، تاریخی و... متأسفانه توجه مورخان ایرانی به این عرصه، نابسند بوده است و بیشتر آثار و پژوهش‌های موجود عمدتاً توسط اصحاب دیگر رشته‌های علوم انسانی نوشته شده است (روح‌الامینی، ۱۳۷۰: ۸۹۱-۸۷۷؛ منتظمی، ۱۳۸۴: ۷۶-۸۰؛ هوشیار و سعیدآبادی، ۱۳۸۷: ۴۹-۵۷؛ ابوالمعالی الحسینی، ۱۳۸۷: ۵۹-۸۶؛ حسین‌زاده و رضایی باغبیدی، ۱۳۹۵: ۱-۲۰؛ بیرگانی قربانی و ولی عرب، ۱۳۹۶: ۹۸-۱۱۲). این مقاله در تلاش برای پر کردن این خلأ مهم، این امر را مفروض گرفته است که تصویب قانون جدید ازدواج در سال ۱۳۱۰ ش. درک جامعه ایرانی از ازدواج را که از مدت‌ها پیش به دو شکل سنتی و مدرن تقسیم شده بود، برجسته کرده و تعریفی جدید و رسمی از ازدواج ارائه داد که خود بر پایه تغییرات تدریجی، کند و بعضاً بطئی فکری، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در سال‌های گذشته استوار بود که از میانه عصر ناصری به دلایل متعدد و متنوع، ذهن اندیشه‌گران متجدد و مصلحان ایرانی را به ازدواج و پیامدهای آن جلب کرده بود. این مقاله ضمن تلاش برای ردیابی زمینه‌های این تحول، تمرکز خود را بر روی تغییر و تحولات مفهوم کودکی، تعریف ازدواج و نقش زنان در پیشرفت یا عقب‌ماندگی وطن به‌مثابه مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز تصویب این قانون قرار داده با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی زمینه‌ها و پیامدهای تصویب این قانون می‌پردازد.

۲. ازدواج سنتی و سنت ازدواج

آن‌چنان‌که یافته‌های ما از منابع برجای‌مانده از دوره قاجاریه نشان می‌دهد ازدواج در فرهنگ ایرانی این دوره به‌مثابه مرحله‌ای مهم، ضروری، اجتناب‌ناپذیر و حتمی در زندگی انسان ایرانی به حساب می‌آمد که بدون هیچ تفاوت یا با لحاظ کردن اندک اختلافاتی - که تقریباً بی‌اهمیت می‌نمود- در میانه اقشار، گروه‌ها و طبقات اجتماعی فارغ از سبک و شیوه زندگی آن‌ها در شهرها، روستاها و در میان ایلات و عشایر مرسوم و متداول بود.

از جمله مهم‌ترین شاخصه‌های ازدواج سنتی، انحصار تصمیم‌گیری درباره آن به بزرگان خانواده یا حتی خاندان بود. موضوعی که ازدواج را از مسئله پیوند میان دو تن به ازدواج میان دو خانواده یا خاندان برمی‌کشید، عمدتاً به سلب مسئولیت و اختیار زن و مرد برای تصمیم‌گیری درباره زندگی آتی‌شان می‌انجامید. بر این اساس ازدواج در فرهنگ سنتی عمدتاً و نه کاملاً تصمیمی خانوادگی برای دستیابی به اهدافی چون فرزندآوری و فرزندپروری بود و گاهی اوقات سوبه‌ها و اهداف سیاسی، اقتصادی دیگر نیز داشت که دو خانواده را به یکدیگر نزدیک و متصل می‌کرد.

شاخصه مهم دیگر سن پائین ازدواج به‌خصوص در میان دختران بود. فارغ از جایگاه طبقاتی و سبک و شیوه زندگی، دختران ایرانی گاه در بدو تولد و یا در سال‌های اولیه کودکی نامزد شده و به‌سرعت آماده ورود به زندگی مشترک با مردانی می‌شدند که گاه به اندازه پدر یا پدربزرگ آن‌ها سن و تجربه زندگی داشتند.^۱ اشاره منابع به عقد ازدواج اخترالدوله هشت‌ساله و ملیجک دوازده‌ساله (روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۵: ۶۷۲، ۶۷۶، ۶۸۰، ۹۸۸؛ خاطرات تاج‌السلطنه، ۱۳۷۸: ۳۸-۳۷؛ فووریه، ۱۳۲۶ق: ۱۳۰، ۱۹: ۶۷۳-۶۷۲)، برگزاری مراسم ازدواج عصمت‌الدوله در ده - دوازده‌سالگی (خاطرات مونس‌الدوله، ۱۳۸۰: ۲۱۲) و عقد تاج‌السلطنه در هشت‌سالگی که به منع او از رفتن به مکتب‌خانه و ترک دنیای کودکی انجامید (خاطرات تاج‌السلطنه، ۱۳۷۸: ۳۷-۳۶، ۵۱)، تنها نمونه‌هایی انگشت‌شمار از ازدواج‌های مرسوم در خاندان سلطنتی قاجاریه بود که دقیقاً به‌مانند نمونه‌های رایج در میان رعایا و توده مردم صورت می‌پذیرفت. در این موارد خاندان شاهی نمونه‌های اعلای باورها و فرهنگ حاکم بر زندگی خانواده‌های ایرانی بود (برای نمونه‌های بیشتر ر.ک: روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۵: ۱۶۰، ۱۹۹، ۵۱۰، ۲۳۴، ۴۵۶، ۹۰۹، ۹۱۶، ۹۶۳؛ ۲۰: ۱۷۵؛ ۲۶: ۲۰۱).

از سوی دیگر گرچه دیدار و آشنایی زن و مرد آن‌چنان‌که بعدها ابتدا در میان خانواده‌های پیشروی ایرانی انجام شده اندک‌اندک به رسمی رایج در پیش از ازدواج تبدیل

۱. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۵: ۲۴۳، ۸۲۴-۸۲۳؛ بهرامی، ۱۳۶۳: ۲۳۴-۲۲۰؛ سرنه، ۱۳۶۲: ۱۸۷-۱۸۶؛ پروگش، ۱۳۸۹: ج ۲/ ۵۵۵؛ سفرنامه فوروکاوا، ۱۳۸۴: ۱۹۶؛ ۳۳: ۲۱۳؛ بیشوب، ۱۳۷۵: ۱۰۹-۱۰۸؛ دالمانی، ۱۳۷۸: ج ۱/ ۳۵۷-۳۵۸؛ ۳۶۱، ۳۹۹ و ج ۲/ ۷۰۲؛ رابینو، ۱۳۲۷: ۱۵۳-۱۵۲؛ هاکس، ۱۳۶۸: ۴۵؛ خاطرات ابوالقاسم کسمایی، ۱۳۸۵: ۳۰-۲۸؛ خاطرات تاج‌السلطنه، ۱۳۷۸: ۷۰-۶۹، ۱۰۹، ۳۳۸-۳۳۶).

شد. عملاً و به خصوص در میان خانواده‌های عادی و معمولی شهرنشین ممنوع و از نظر عملی ممتنع یا بسیار سخت و دشوار بود، در میان ایلات و عشایر و در مناطق روستایی تجربه کار مشترک خانگی و زراعی امکان آشنایی حداقلی دو تن را پیش از ازدواج فراهم می‌کرد.

۳. نقد ازدواج سنتی با نخستین گام‌ها برای تغییر

نخستین بار مسافران بیگانه بالاخص آن‌هایی که در کسوت پزشک به ایران سفر کرده و مدت‌زمانی در ایران اقامت داشتند با استفاده از فرصت ارتباط با دختران و زنان ایرانی و از زاویه دید یک بیگانه به نقد سنن مرتبط با ازدواج در ایران و پیامدهای زیان‌بار فردی و اجتماعی آن پرداختند.

به گفته جان ویشارد، پزشک آمریکایی «هر طبیعی که تجربه‌ای در مسائل ایران داشته باشد می‌تواند داستان‌هایی هراس‌انگیز و تکان‌دهنده از رنج‌ها و مشکلاتی که این ازدواج‌های زودرس ایجاد کرده‌اند، بیان دارد. من دختران کم‌سالی را که به مریضخانه‌ها آورده‌اند، دیده‌ام که وقتی نام شوهرانشان را می‌شنیدند از ترس اینکه قرار باشد دوباره نزد آن‌ها برگردند چنان از وحشت فریاد می‌زدند که بیخود می‌شدند.» (ویشارد، ۱۳۶۳: ۲۵۶-۲۵۵).

از نظر آنان ازدواج در سنین پائین آسیب‌هایی من جمله ممانعت از رشد طبیعی دختران، ضعف نسل نژاد ایرانی و حتی افزایش شمار بیوه‌های جوان را در پی داشت (دالمانی، ۱۳۷۸: ۳۵۸). کنت دوگوبینو یکی از ناظران هوشیاری است که ضمن اشاره به رواج ازدواج‌های زودرس در میان ایرانیان به فقدان آمادگی عقلی برای شروع یک زندگی مشترک و پیامدهای ناگوار آن اشاره کرده است (دو گوبینو، ۱۳۸۳: ۳۱۱-۳۱۰).

گرچه آگاهی‌های چندانی از آنچه در ذهن و زبان دختران و زنان ایرانی این دوره در ربط با ازدواج در سنین پایین می‌گذشت، نداریم اما اندک یافته‌های موجود نشان از اعتراض به چنین سننی دارد. اعتراض‌هایی که احتمالاً در میان زنان همه طبقات عمومیت داشت اما زنان اعیانی به لطف موقعیت اجتماعی برتر و برخورداری از نعمت سواد جرئت، جسارت و

امکان طرح، بیان و ثبت آن را می‌یافتند. تاج‌السلطنه دختر ناصرالدین‌شاه که در هشت‌سالگی به عقد همسر آینده‌اش درآمد در اعتراض به این شرایط نوشت:

«درواقع چه بدبختی از این برای شخص بالاتر است که در طفولیت و سن هشت‌سالگی شوهر کند؟ بلکه دلش، خیالش آن شوهر را انتخاب نکرده بلکه مادر و بزرگ‌ترش برای خیالات مهممل‌واهی او را انتخاب کرده‌اند!» (خاطرات تاج‌السلطنه، ۱۳۷۸: ۴۰-۴۱).

عالم‌تاج قائم‌مقامی متخلص به ژاله نیز در شعری تحت عنوان «شوهر نامحرم» از ازدواج‌های سنتی به‌مثابه بردگی دختران فاقد استعداد جسمی و عقلی یاد کرد:

| | |
|---|--|
| مردسima ناجوانمردی که ما را شوهر است | مردمان را از هزاران مرد، نامحرم‌تر است |
| آن که زن را بی‌رضای او به زور و زر خرید | هست نامحرم به‌معنی ور به‌صورت شوهر است |
| گرچه در ظاهر رضای ماست سامان‌بخش کار | لیک لب‌های بلی‌گو بر دهان مادر است |
| شرط تزویج ار بود نه‌سالگی در دین ما | هم بلوغ جسمی و عقلی دو شرط دیگر است |
| در دگرجا دختر نه‌ساله گر بالغ شود | جان خواهر جای آن سودا نه در این کشور است |
| دختر نه‌ساله شوهر را چه می‌داند که کیست | کی عروسک‌باز را جامه عروسی درخور است |
| فطرت حیوان ازین منکر گریزانست لیک | مرد ما مردی‌نما در عرصه این منکر است |

(دیوان ژاله قائم‌مقامی، ۱۳۴۵: ۷۰) علاوه بر این پرسش از چرایی عقب‌ماندگی ایران که در پیامد مقایسه سرنوشت ایران و ایرانی و دیگری‌فرنگی و غربی‌رخ می‌داد تنها محدود به عرصه سیاست و اقتصاد و امور نظامی نبود بلکه دامنه آن به زندگی اجتماعی و مناسبات فردی و خانوادگی نیز می‌رسید.

بر این پایه و اساس و تحت تأثیر این عوامل به نظر می‌رسد دو عامل نقش مؤثری در تغییر ذهنیت عمومی نسبت به مفهوم ازدواج داشته‌اند. عواملی که زمینه‌ساز تغییرات محدود در روابط برخی خانواده‌ها در دوره قاجاریه گردیدند و به‌مثابه میراثی فکری - فرهنگی به دوره رضاشاه رسیدند. این دو عامل اثرگذار یکی تحول و تجدد مفهوم کودکی و توجه به جایگاه و نقش کودکان در آینده وطن بود و دیگری توجه ویژه به نقش و جایگاه زنان

به‌مثابه بخشی مهم از آحاد ملت و به‌خصوص در جایگاه مادری که تصور می‌شد تغییر در موقعیت اجتماعی‌شان به تحول در سرنوشت مادر وطن خواهد انجامید.

در ادامه سعی می‌کنیم به کوتاهی به بررسی این دو عامل بپردازیم که خود از جنبه‌های گوناگون، زمینه‌ساز تصویب قانون جدید ازدواج گردیدند.

۴. تحول و تجدد مفهوم کودکی و ازدواج

به نظر می‌رسد مفهوم کودکی در اندیشه ایرانیان عصر قاجاریه به‌سان بسیاری دیگر از مؤلفه‌های فکری و فرهنگی، میراثی از دوره‌های گذشته بود که به‌صورت مکتوب و شفاهی به این دوره رسیده بود (برای نمونه ر.ک: گلستان سعدی، ۱۳۶۹: ۱۵۹). شواهد برجای‌مانده حاکی از آن است که ایرانیان تا پیش از آشنایی با تجدد نوظهور غربی با الهام از تفسیر غالب در تمامی ادیان پذیرفته‌شده در میان ایرانیان و نیز الگوهای جنسیتی مسلط بر فرهنگ عمومی، درکی بیولوژیک، کروئولوژیک، یکپارچه و واحد از کودکی داشتند. این موضوع به تعریفی سال‌شمار از کودکی می‌انجامید و دوران کودکی را به‌مثابه مقدمه‌ای بر بزرگ‌سالی در ذهن می‌آورد که به ذات خود چندان ارزشی نداشت. نگاه کروئولوژیک و بیولوژیک به کودکی و تعیین بلوغ به‌مثابه شاخصی اساسی در پایان این دوره سبب می‌شد دوران کودکی دختران عملاً کوتاه‌تر از پسران باشد. بر این اساس سن پایان کودکی در دختران، نه سال و در پسران، پانزده سال بود. در غیاب دوره نوجوانی که مفهومی متأخر و برساخته دوره پهلوی دوم در ایران است پایان کودکی دروازه ورود به دنیای بزرگ‌سالی بود (حاتمی، ۱۳۹۵: ۱۵-۱۴). دوره‌ای که یکی از مهم‌ترین شاخصه‌هایش برای دختران، ازدواج و قبول مسئولیت به‌مثابه همسر و مادر تلقی می‌گردید. شواهدی چند از دوره قاجاریه حاکی از آن است که بر اثر آشنایی با تجدد غربی، جامعه ایرانی اندک‌اندک در تعریف مفهوم کودکی و تعیین زمان دقیق پایان آن، حقوق کودکان و وظایف خانواده و جامعه در قبال آنان دچار تردید، آشفتگی و سردرگمی شده بود. (روزنامه تربیت: غره جمادی‌الثانی ۱۳۳۳ق.:: ۱۸۸۸-۱۸۸۷؛ ۹: ۴۷؛ همچنین برای نمونه مقایسه کنید دو گزارش کوتاه روزنامه ایران در ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۲۹۳ق.، ص ۲ و ۶ رجب ۱۲۹۳ق.، ص ۴ درباره اطلاق واژه طفل و جوان به افراد ذکوری در یک سن (پانزده‌سالگی)؛ روزنامه ایران، ۱۷ صفر ۱۲۸۸ق.، ص ۴: (نزاع دو کودک

پانزده‌ساله تهرانی؛ روزنامه ایران، ۵ ذی‌حجه ۱۲۹۱ق.، ص ۲: (نزاع دو طفل دوازده‌ساله بسطامی)؛ روزنامه ایران، ۲۵ صفر ۱۲۹۵ق.، ص ۲: (خوابیدن اطفال ۱۴ - ۱۳ ساله از شدت سرما در کوره طباحی)؛ نیز بنگرید به کاربرد واژه طفل برای مصدق‌السلطنه بیست‌وپنج‌ساله در: افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ص ۸۳؛ بهرامی، ۱۳۶۳: ۴۷: (به شمار آوردن سن پانزده در شمار سال‌های جوانی)؛ زرغام، ۱۳۶۳: ۴۱ - ۴۰: (خبر کشته شدن جوان چهارده‌ساله اردبیلی در ۸ ربیع‌الاول ۱۳۱۰ق.).

تردید در تلقی سنتی از کودکی که با فرارسیدن بلوغ جسمانی، فرد را به دوران بزرگ‌سالی و مسئولیت‌های اجتماعی وارد می‌کرد، مجالی برای افزایش طول مدت کودکی فراهم ساخت و با موج رو به افزایش توجه به ضرورت آموزش عمومی یکی از حقوق اولیه کودکان ایرانی اعم از دختر و پسر را که بر ذمه خانواده و دولت قرار داشت، تحصیل علم و دانش در مدارس نوین تلقی کرد که با شیوه آموزش جدید و ابزار و وسایل آموزشی وارداتی تلاش می‌کرد و امیدوار بود یکی از عمده‌ترین موانع ترقی وطن را از میان بردارد. (رساله‌های میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله، ۱۳۸۸: ۵۵-۵۴؛ ۱: ۱۱۲؛ طالبوف تبریزی، ۱۳۳۶: ۱۱-۱۰؛ آدمیت، ۱۳۴۹: ۸۲-۸۰؛ رسائل سیاسی عصر قاجار، ۱۳۸۰: ۵۷۰-۵۶۵؛ رسائل مشروطیت (مشروطه به روایت موافقان و مخالفان)، ۱۳۷۸: ج ۲/ ۱۷۶-۱۷۵، ۲۳۴-۲۳۳). در این میان توجه به آموزش دختران که عمدتاً به‌مثابه مادران آینده به آن‌ها نگریسته می‌شد اهمیتی دوچندان می‌یافت. آن‌ها نه تنها به‌مثابه یک فرد انسانی از حق اولیه آموزش برخوردار بودند بلکه ضروری بود تا به‌مثابه همسر و مادر از آموزش‌های لازم که مهارت خانه‌داری، همسرداری و فرزندپروری را به آن‌ها می‌آموخت، بهره‌مند شوند. (روزنامه تربیت: ۱۹ ربیع‌الاول ۱۳۱۵ق.: ۱۴۲؛ همان: ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۳۱۵ق.: ۱۶۰-۱۵۹؛ ۴۰: ۱۰ رمضان ۱۳۲۸ق.: ۲؛ روزنامه شکوفه: ۲۳ محرم ۱۳۳۱ق.: ۳؛ ۴۲: ۵ جمادی‌الاول ۱۳۳۲ق.: ۳؛ همان: ۵ ربیع‌الاول ۱۳۳۳ق.: ۳-۴؛ همان: ۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۳۴ق.: ۲؛ کاوه: غره شوال ۱۳۳۸ق.: ۷-۶؛ ۲۲: ۳۸۶؛ روزنامه اطلاعات: ۸ مهر ۱۳۰۸: ۳؛ همان، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۱۰: ۱).

تحول و تجدد مفهوم کودکی به طولانی شدن این دوران انجامید و در پیامد آن کم‌کم ازدواج در سنین پایین به‌مثابه «ازدواج کودکان» در نظر آمده و مضرات و آسیب‌های آن



برای فرد، خانواده و جامعه برشمرده شد. صدیقه دولت‌آبادی در مقاله‌ای در نشریه پیشرو «زبان زنان» در واکنش به انتشار گزارشی از ازدواج دختران پنج‌ساله در هندوستان درباره مضرات رواج این رسم در ایران سخن گفته آن را یکی از بزرگ‌ترین بدبختی‌های ایران دانست:

«...یکی از بزرگ‌ترین بدبختی که جامعه ما را احاطه دارد همین نکته ازدواج است که ما به‌کرات نوشتیم. دختران پس از اینکه کبیره شده‌اند باید چندین سال با عقل و هوش و فهم، تحصیلات خود را به پایان برسانند و تربیت بشوند و فهم کامل از جهات دوره زندگانی و خانواده داشته باشند و در تشکیل و پرورش فامیل دانا و توانا باشند و آنگاه با چشم باز و فهم رسا و رسیدگی به اطراف کار، شوهر بکنند. همچنین پسران بدون تفاوت آن‌ها هم باید یک دوره پس از رشد، تحصیل و تربیت شده و فهمیده و به قول عوام از سرد و گرم دنیا مطلع شده و قوت و استطاعت طریق امر معاش را از شخص خود داشته با ملاحظات در اطراف کار آنگاه برای چنین امر مهمی قدم بردارند. در این صورت کشور ما روی سعادت خواهد دید...» (صدیقه دولت‌آبادی؛ نامه‌ها، نوشته‌ها و یادها، ۱۳۷۷: ۱۹۹-۱۹۸).

واضح است که یادداشت صدیقه دولت‌آبادی و برخی مقاله‌های دیگر عالم نسوان تنها نقد ازدواج‌های زودرس در میان کودکان نبود. ازدواج‌هایی که به‌مثابه آسیب تلقی شده و اندک‌اندک با دیده منفی به آن‌ها نگریسته می‌شد. این مقالات زمینه‌ساز رواج تعریفی جدید از ازدواج بود که برخلاف گذشته دیگر در انحصار خانواده و بزرگان فامیل نبود. این شکل جدید که در آن دختران اجازه داشتند «با چشم باز و فهم رسا» شریک آتی زندگی خود را انتخاب کنند اساساً بر اساس درکی جدید از موقعیت زن ایرانی شکل گرفته بود. درکی که در آن زن تحصیل کرده می‌توانست و حق داشت درباره آینده خود تصمیم بگیرد. به‌این ترتیب و لااقل از بعد نظری او از موقعیت منفعل و ابژگی رها شده به سوژه فعال در روابط دوسویه خانوادگی تبدیل شده بود که درست به‌سان مرد، حق تصمیم‌گیری و عمل داشت و می‌توانست زندگی مشترک خود را بر اساس عشق و علاقه دوسویه بنیان گذارده در زندگی و تربیت فرزندان نیز سهم و نقش برابر داشته باشد. (روزنامه شکوفه: ۴ ذی‌حجه ۱۳۳۳ق: ۴؛ همان: ۲۱ ذی‌حجه ۱۳۳۳ق: ۳-۲؛ همان: ۴ ربیع‌الثانی ۱۳۳۴ق: ۳-۲؛ روزنامه عالم نسوان: س ۷، ش ۱۱: ۴۲۶-۴۲۲؛ مجله تعلیم و تربیت: س ۸، ش ۵-۶: ۴۱-۳۶؛ روزنامه اطلاعات: ۱۷ مهر ۱۳۰۷: ۱).

با این همه حتی در این تلقی جدید از مفهوم ازدواج همچنان فرزندآوری و فرزندپروری مهم‌ترین کارکرد خانواده به حساب می‌آمد و مهم‌ترین وظیفه یک زن (بامداد، ۱۳۱۲: ۴۱-۴۰). بنابراین با وجود آنکه ازدواج سنتی در سنین پایین نقد شده مخالف حقوق اولیه دختر بچه‌های کم‌سن‌وسال تلقی می‌شد و عوارض و آسیب‌های جمعی ناشی از آن برای سلامت مادر و فرزند و در نهایت سرنوشت وطن گوشزد می‌شد مشکلات حاصل از بی‌تجربگی و ناکارآمدی مادران کم‌سن‌وسال در پرورش کودکان نیز مورد توجه قرار گرفته به تأثیر آن بر عقب‌ماندگی ایران و کاهش جمعیت اشاره می‌گردید (روزنامه شکوفه: ۲ ذی‌قعدة ۱۳۳۱ق: ۱-۲؛ همان: ۹ ذی‌حجه ۱۳۳۱ق: ۱-۲؛ روزنامه دانش: ۲۴ رمضان ۱۳۳۸ق: ۴). یافته‌های ما حاکی از آن است که از اواخر دوره قاجاریه به بعد به پرورش کودکان به‌مثابه علمی نوین نگریسته می‌شد که تنها راه آموختن آن تحصیل در مدارس جدید بود. سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی در یکی از سخنرانی‌های مهیج خود که مخاطبانش عموماً از میان توده مردم بودند به غیبت «علم تربیت و پرستاری اطفال شیرخوار» در جامعه ایرانی اشاره کرده آسیب‌های ناشی از آن، من جمله مرگ‌ومیر کودکان را برشمرد (روزنامه الجمال: س ۱، ش ۴: ۳-۴). اندیشه‌گران متجدد که در پی چاره‌جویی برای برون‌رفت ایران از انحطاط و عقب‌ماندگی بودند، یکی از مهم‌ترین علل کمبود جمعیت و نیروی انسانی فعال کشور را آمار بالای مرگ‌ومیر می‌دانستند و بخشی از این گناه را به گردن مادران غافل و نادانی می‌انداختند که به شیوه سنتی به پرورش فرزندان و کودکان همت گمارده با راهنمایی زنان سال‌خورده، خود قاتل جان فرزندان‌شان می‌شدند! (دالمانی، ۱۳۷۸: ج ۱ / ۴۴۶-۴۴۳؛ روزنامه خورشید: ۱۴ رمضان ۱۳۲۵ق: ۲-۳؛ روزنامه شکوفه: جمادى‌الاول ۱۳۳۱ق: ۱-۲؛ همان: ۵ ربیع‌الاول ۱۳۳۳ق: ۱-۲؛ صدیقه دولت‌آبادی؛ نامه‌ها، نوشته‌ها و یادها، ۱۳۷۷: ۵۱۹؛ مجله تعلیم و تربیت: آبان - آذر ۱۳۰۴: ۱۷-۱۹؛ روزنامه اطلاعات: ۱۱ تیر ۱۳۰۷: ۳-۲). به این شکل که ازدواج زودرس، دخترانی ناآزموده و بی‌سواد و بی‌تجربه را به اجبار وارد دنیای بزرگ‌سالی می‌کرد و آن‌ها به ناچار بنا بر قوانین عرف و شرع مادر فرزندان می‌شدند که در غیاب آمادگی و استعداد جسمانی مادر، جان مادر و فرزند را به یکسان در معرض خطر قرار می‌داد. روندی که نه تنها آمار مرگ‌ومیر مادران و اطفال را بالا برده از جمعیت ایران می‌کاست بلکه به زندگی نسلی ضعیف و ناتوان می‌انجامید که چه

در بدو تولد و چه در سال‌های کودکی به خاطر بی‌بنیگی مادر و عدم آشنایی او با علم پرورش جدید به تربیت نسلی می‌انجامید فاقد توانایی‌های لازم برای انجام وظایف محوله به خود برای ترقی و پیشرفت وطن. در ادامه شرایط و زمینه‌های تصویب این قانون در دوره پهلوی را پی می‌گیریم.

۵. میراث قدیم و قانون جدید

روی کار آمدن سلسله پهلوی در ایران هم‌زمان با قرن بیستم میلادی - قرن‌ی که در تاریخ جهان به قرن کودکی نام‌بردار بود - صورت گرفت (روزنامه اطلاعات: ۲۰ مهر ۱۳۱۶؛ همان: ۱۳ آبان ۱۳۱۷: ۵). سلسله جدید که در جستجوی دستیابی به جایگاه قدرتمندتر برای ایران در عرصه بین‌المللی بود در تمامی طول عمر خود از جهات مختلف مسائل کودکان و زنان را در سیاست‌گذاری‌های کلان خود موردتوجه قرار داد (روزنامه اطلاعات: ۲۵ دی ۱۳۰۸؛ ۳؛ همان: ۲ اردیبهشت ۱۳۱۰؛ ۱؛ همان: ۱۶ آذر ۱۳۱۲؛ ۲؛ همان: ۱۲ فروردین ۱۳۱۴؛ ۲؛ همان: ۲۷ مرداد ۱۳۱۵؛ ۲؛ همان: ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۱ مهر ۱۳۱۵؛ ۲؛ همان: ۳ آذر ۱۳۱۵؛ ۲؛ همان: ۳۱ مرداد ۱۳۱۶؛ ۱؛ همان: ۴ دی ۱۳۱۶؛ ۱؛ همان: ۱۲ آذر ۱۳۱۶؛ ۲؛ همان: ۲۴ آذر ۱۳۱۹؛ ۲). سیاست‌گذاری‌هایی که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم زمینه‌ساز تصویب قانون جدید ازدواج در ایران بود. تلاش برای مدرن‌سازی و کاستن از قدرت شریعت و شریعت‌مداران در زندگی اجتماعی و قوانین مدنی وقتی بر بستر مطالبات دیرینه بخشی از نخبگان ایرانی قرار گرفت زمینه‌ساز تدوین قانون جدید ازدواج در دوره رضاشاه گردید که گرچه در آن همچنان دین محوری داشت اما تحولی اساسی در روابط زوجین و شرط ازدواج ایجاد شده بود (فلور، بنانی، ۱۳۹۰: ۱۲۳-۱۲۲، ۱۲۶). در این قانون معیار سنی جدیدی برای عقد ازدواج - ۱۵ سال تمام برای دختران و ۱۸ سال تمام برای پسران - تعیین شده بود که به‌مراتب با قاعده عرفی رایج که بر مبنای تفسیر دینی زمانه و درک سنتی از مفهوم کودکی بود، تفاوت داشت. (خاطرات یک نخست‌وزیر (احمد متین‌دفتری)، ۱۳۷۰: ۱۰۲-۱۰۱؛ رستاخیز ایران، مدارک، مقالات و نگارشات خارجی، ۱۳۳۵: ۶۲۲). قانون جدید که ثبت عقد ازدواج را به دفاتر مخصوص دولتی منحصر کرده بود برای متخلفین از این قانون اعم از واسطه ازدواج، داماد، خانواده طرفین و عاقد، جرائم نقدی و

حبس تأدیبی از ۶ ماه تا ۳ سال تعیین کرده بود. (روزنامه اطلاعات: ۳ مرداد ۱۳۱۰: ۱؛ شایگان، ۱۳۲۴: ۲۹۳-۲۹۱).

با توجه به مغشوش بودن اوراق هویتی و نامشخص بودن سن افراد در ایران، قانون‌گذار لازم دانسته بود در صورت ادعای خانواده‌ها مبنی بر سن مجاز دختران یا دلایلی دیگر من جمله بدسرپرستی، فقر والدین و ... که ازدواج را واجب و ضروری می‌ساخت در صورت صدور «تصدیق رشد صحتی» و «گواهی استعداد جسمانی» که از طرف پزشکان مجاز ارائه می‌شد ازدواج زیر سن قانونی را نیز قانونی بداند. حکومت تلاش می‌کرد تا به‌سان ترتیبات قانونی دیگر قانون جدید ازدواج را که مستقیماً با زندگی توده‌های مردم در ارتباط بود با جدیت در تمام نقاط کشور اجرا کرده متخلفین را مطابق مفاد قانون مجازات کند.

۶. قانون جدید ازدواج؛ آثار و پیامدها

با این حال قانون جدید ازدواج پیامدهای مثبت و منفی بسیار داشت که در ذیل به آن اشاره می‌کنیم. مشخص نبودن دقیق سن تولد افراد که تعیین آن از شهرهای بزرگ تا روستاهای کوچک و دور سلیقه‌ای‌تر، میهم‌تر و دشوارتر می‌گردید مانعی مهم و جدی بر سر راه اجرای قانون جدید ازدواج بود که با اتکا به تعیین سن جدید تلاش می‌کرد تا وضعیت زن ایرانی را دگرگون کند. همچنین میزان اجرای قانون به تناسب دوری و نزدیکی محل نسبت به پایتخت متفاوت بود. این عامل مهم وقتی در کنار کمبود دفترخانه‌های مجاز در سراسر ایران قرار می‌گرفت، اجرای تام و تمام قانون جدید را با مشکل روبرو می‌کرد (هاکس، ۱۳۶۸: ۱۱۴).

گرفتن شناسنامه که مقدمات آن از سال ۱۲۹۵ ش. فراهم گردیده بود به سال ۱۳۰۶ ش. برای همه خانوارهای ایرانی اجباری گردید و تلاش شد تا در سراسر کشور با تأسیس اداراتی گسترش یابد (محمدی، ۱۳۹۴: ۳۰) ولی شواهد موجود حاکی از آن است که تا زمان ابلاغ قانون جدید ازدواج در فاصله سال‌های ۱۳۱۲-۱۳۱۰ تخمین سن دقیق دختران مانعی جدی بر سر راه اجرای دقیق این قانون بود.

از طرف دیگر با وجود نظارت گسترده و سخت‌گیرانه پاره‌ای خانواده‌ها همچنان ترجیح می‌دادند به شیوه سنتی عمل کرده زیر سن قانونی مقدمات ازدواج فرزندان خود را فراهم

آورند. گزارش‌های متعدد مطبوعات رسمی سراسری از مراحل دادرسی و صدور حکم حبس یا جریمه برای خانواده‌های متخلف نه‌تنها نشانی از اهتمام دولت در اجرای دقیق قانون جدید داشت بلکه حاکی از ناهماهنگی این قانون با ذهنیت بخشی وسیعی از توده‌های مردم بود که برخلاف نخبگان درکی جدید از مفهوم کودکی، ازدواج و حقوق انسانی دختران و زنان در تعریف جدید آن نداشتند (روزنامه اطلاعات: ۳۰ فروردین ۱۳۱۱: ۲؛ ۳۵: ۱ اردیبهشت ۱۳۱۱: ۲؛ همان: ۷ اردیبهشت ۱۳۱۱: ۲؛ همان: ۴ مهر ۱۳۱۱: ۲؛ همان: ۶ تیر ۱۳۱۲: ۵؛ همان: ۲ شهریور ۱۳۱۲: ۲؛ همان: ۲۳ تیر ۱۳۱۳: ۴؛ خاطرات یک نخست‌وزیر (احمد متین‌دفتری)، ۱۳۷۰: ۱۰۳).

توجه به این نکته که در آرشیوهای اسناد حجم قابل‌توجهی درخواست صدور گواهی استعداد جسمانی برای دختران زیر سن ۱۵ سال تمام موجود است نشان می‌دهد حتی آن دسته از ایرانیانی که جرئت و جسارت تخلف از قانون جدید را نداشتند از راه‌های قانونی دیگر سود جسته تلاش می‌کردند تا همچنان بنا بر رسومات رایج سنتی رفتار کنند. این درخواست‌ها که عمدتاً از شهرستان‌ها به دادگستری‌ها می‌رسید نه‌تنها نشان از شیوع بیشتر باورهای سنتی مرتبط با کودکی و ازدواج در شهرهای کوچک و دور از پایتخت دارد بلکه نشان می‌دهد درحالی‌که بخشی از جامعه درک جدید از کودکی و ازدواج را پذیرفته به قوانین مدنی جدید تن داده بودند، عده‌ای دیگر فارغ از مجازات‌های احتمالی همچنان به شیوه سنتی زندگی کرده مایل به تغییر در زندگی روزمره خود نبودند. بدین‌سان می‌توان به‌درستی خاطر نشان کرد که قانون جدید ازدواج همان‌قدر که نشانه‌ای از مطالبات بخشی از نخبگان ایرانی بود نشان از عدم همراهی پاره‌ای دیگر از مردم ایران، احتمالاً توده مردم - با این افکار و احوال به شمار می‌آمد (سند‌های شماره [۴۵] سند ۲۹۸/۸۲۱۲۹؛ سند ۲۹۸/۸۲۱۳۰؛ سند ۲۹۸/۸۲۲۶۹؛ سند ۲۹۸/۸۲۱۸۹؛ سند ۲۹۸/۷۷۳۹۳؛ سند ۲۹۸/۸۳۱۵۶؛ سند ۲۹۸/۸۲۲۶۹؛ سند ۲۹۸/۸۵۶۸۷؛ سند ۹۳/۲۹۸/۱۵۴۱؛ آرشیو ملی ایران).

حکومت که بر پایه سیاست‌های کلان خود به دلایل متعدد از جمله نیاز به جمعیت بیشتر برای کار در بروکراسی روبه رشد، ارتش، آموزش عمومی و زمینه‌سازی برای تغییر جایگاه ایران در منطقه و جهان نیازمند همراهی با نظر نخبگان ایرانی بود، با تدوین و اجرای این قانون گرچه فرصتی به دختران ایرانی بخشید که فارغ از افکار و باورهای عامیانه توان

درس‌آموزی و حتی ورود به عرصه اجتماع و اقتصاد و انتخاب زندگی آتی خود را داشته باشند اما در همان حال جامعه را به نبردی محتوم و مکتوم و درعین‌حال نابرابر میان نهادهای دولتی و خانواده‌ها کشاند که در آن گرچه برنده قطعی دولت و دستگاه قضایی بود اما هزینه بسیار مالی بر دوش خانواده‌ها، دستگاه قضایی و نهادهای مرتبط می‌گذاشت که از این‌پس ناگزیر بودند به پرونده‌هایی رسیدگی و برای آن حکم صادر کنند که در گذشته بخشی از زندگی معمول و متداول مردم عادی بود. علاوه بر این گرچه آمار دقیق و پژوهش رسمی‌ای در دوره پهلوی درباره پیامدهای تصویب قانون جدید ازدواج در ایران و تأثیر آن بر بهبود شرایط و پیشرفت و ارتقای زندگی زن ایرانی در دست نیست اما افزایش شمار دختران دانش‌آموز و موفقیت آن‌ها در دستیابی به آموزش عالی و امکان، تجربه و فرصت کار در نظام اداری رو به گسترش را می‌توان از پیامدهای مثبت آن به شمار آورد.

نتیجه‌گیری

رویارویی با فرنگ و فرنگی قدرتمند، پیشرو و پیروزمند نه‌تنها به بازنندیشی در ساختار سیاسی و نظامی ایران در دوره قاجاریه انجامید بلکه با افزایش سطح تماس‌ها و ارتباطات، اندک‌اندک به دگرگونی در ساختار خانواده و روابط درونی آن نیز منجر شد. از میانه عصر ناصری به این‌سو، به‌تدریج مفهوم ازدواج و کودکی در ذهنیت شماری از نخبگان ایرانی تغییر کرده با اهمیت یافتن ترقی ایران و سهم و نقش زنان و کودکان در آینده وطن به پایه‌ریزی زمینه ذهنی شرایطی انجامید که در آن تصویب قوانین جدید ضروری می‌نمود. قانون جدید ازدواج در ایران دوره پهلوی که به‌مثابه ابزاری در دست حکومتگران برای اجرای طرح‌های کلان‌نوسازی خود عمل کرد، نه‌تنها به تحول و تجدد مفاهیم کودکی و ازدواج یاری رساند بلکه خود به شکل نمادین آن را نیز هویدا ساخت. علی‌رغم آثار و پیامدهای مثبت بسیار زیاد این قانون از جمله افزایش مدت‌زمان دوران کودکی در دختران، به رسمیت شناختن حق آنان برای برخورداری از آموزش و تحکیم موقعیت زنان در خانواده لاقلاً از بعد نظری، اجرای این قانون به دلایل متعدد از جمله غلبه فرهنگ سنتی، نبودن زیرساخت‌های اجرایی در سراسر ایران و ...، در مرحله اجرا با مشکلاتی مواجه شد. نزاع و رویارویی دولت و ملت که به شکل نهفته و سربه‌مهر صورت می‌گرفت از عمده‌ترین پیامدهای منفی تصویب و اجرای این قانون بود.

منابع

کتاب

- آخوندزاده، میرزا فتحعلی (۱۳۵۱)، *مقالات*، گردآورنده: باقر مؤمنی، تهران: آوا.
- آدمیت، فریدون (۱۳۴۹)، *اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده*، بی‌جا: بی‌نا.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۸۵)، *مقدمه و فهارس از ایرج افشار*، تهران: امیرکبیر.
- افضل‌الملک، غلامحسین خان (۱۳۶۱)، *افضل‌التواریخ*، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.
- بامداد، بدرالملوک (۱۳۱۲)، *کتاب اخلاق مخصوص کلاس سوم متوسطه نسوان*، تهران: مطبعه دانش ناصریه.
- بروگش، هینریش (۱۳۸۹)، *سفری به دربار سلطان صاحبقران*، ترجمه محمدحسین کردبچه، تهران: اطلاعات.
- بهرامی، عبدالله (۱۳۶۳)، *خاطرات عبدالله بهرامی از آخر سلطنت ناصرالدین‌شاه تا اول کودتا*، تهران: علمی.
- بیشوب، ایزابلا (۱۳۷۵)، *از بیستون تا زردکوه بختیاری*، ترجمه مهراب امیری، خرم‌آباد: سپند و انزان.
- حاتمی، زهرا (۱۳۹۵)، *تاریخ کودکی در ایران (از آغاز عصر ناصری تا پایان دوره رضاشاه)*، تهران: علم.
- *خاطرات ابوالقاسم کسمایی* (۱۳۸۵)، به کوشش ایرج افشار، تهران: قطره.
- *خاطرات تاج‌السلطنه* (۱۳۷۸)، به کوشش مسعود عرفانیان، تهران: نشر تاریخ ایران.
- *خاطرات مونس‌الدوله* (۱۳۸۰)، به کوشش سیروس سعدوندیان، تهران: زرین.
- *خاطرات یک نخست‌وزیر (احمد متین‌دفتری)* (۱۳۷۰)، به کوشش باقر عاقلی، تهران: علمی.
- دولت‌آبادی، صدیقه (۱۳۷۷)، *نامه‌ها، نوئسته‌ها و یادها*، ویراستاران: مهدخت صنعتی و افسانه نجم‌آبادی، Ontario:Midland Printers.
- *دیوان ژاله قائم‌مقامی* (۱۳۴۵)، زیر نظر پژمان بختیاری، تهران: کتابخانه ابن سینا.
- رایینو، هل (۱۳۳۷)، *مازندران و استرآباد*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- *رساله‌های میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله* (۱۳۸۸)، گردآوری و مقدمه: حجت‌الله اصیل، تهران: نی.

- *رسائل سیاسی عصر قاجار* (۱۳۸۰)، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: کتابخانه ملی.
- *رسائل مشروطیت (مشروطه به روایت موافقان و مخالفان)* (۱۳۷۸)، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: مؤسسه توسعه و تحقیقات علوم انسانی.
- *رستاخیز ایران، مدارک، مقالات و نگارشات خارجی ۱۳۲۳-۱۳۹۹* (۱۳۳۵)، گردآورنده: فتح‌الله نوری اسفندیاری، تهران: چاپخانه سازمان برنامه.
- *رنه دالمانی، هانری* (۱۳۷۸)، *از خراسان تا بختیاری*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: طاووس.
- *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه* (۱۳۸۵)، مقدمه و فهرست از ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- *سرنا، کارلا* (۱۳۶۲)، *آدم‌ها و آئین‌ها در ایران*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران: زوار.
- *سفرنامه فوروکاوا* (۱۳۸۴)، ترجمه هاشم رجب‌زاده و کینیچی تئو او، راه، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- *سناتور (فعالیت‌های مهرانگیز منوچهریان بر بستر مبارزات حقوقی زنان در ایران)* (۱۳۸۲)، به کوشش نوشین احمدی خراسانی و پروین اردلان، تهران: توسعه.
- *شایگان، علی* (۱۳۲۴)، *حقوق مدنی ایران*، بی‌جا: بی‌نا.
- *ضرغام، شهریار* (۱۳۶۹)، *گزارش‌های تلگرافی آخرین سال‌های عصر ناصرالدین‌شاه*، بی‌جا: بی‌نا.
- *طالبوف تبریزی، میرزا عبدالرحیم* (۱۳۳۶)، *کتاب احمد یا سفینه طالبی*، تهران: گام.
- *فرمانفرمایان (رئیس)*، مهرماه (۱۳۷۷)، *زندگینامه عبدالحسین میرزا فرمانفرما*، تهران: توس.
- *فلور، ویلم و امین بنانی* (۱۳۹۰)، *نظام قضایی عصر قاجار و پهلوی*، ترجمه حسن زندیه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- *فوریه* (۱۳۲۶ ق.)، *سه سال در دربار ایران*، ترجمه عباس اقبال، تهران: علمی و شرکاء.
- *کنت دو گوینو* (۱۳۸۳)، *سه سال در آسیا*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: قطره.
- *کونتز، استفانی* (۱۳۸۷)، *تاریخ ازدواج: از اطاعت تا صمیمیت یا چگونه عشق بر ازدواج پیروز شد؟* ترجمه سیمین موحد، تهران: پیکان.
- *گلستان سعدی* (۱۳۶۹)، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- *محمدی، امیر* (۱۳۹۴)، *تاریخ سجد و ثبت احوال در ایران*، تهران: نگارستان اندیشه.
- *ویشارد، جان* (۱۳۶۳)، *بیست سال در ایران*، ترجمه علی پیرنیا، تهران: نوین.

- هاکس، مریت (۱۳۶۸)، *ایران؛ افسانه و واقعیت*، ترجمه محمدحسن نظری‌نژاد و دیگران، مشهد: آستان قدس رضوی.
- Goodsell, Willystine. (1935), *A History of Marriage and the Family*, Macmillan.
- Outhwaite, R.B. (1981), *Marriage and Society: Studies in the Social History of Marriage*, Europa.
- Quala, Rabina. (1988), *Gladys, A History of Marriage Systems*, Greenwood Press.
- Stones, Lawrence. (1992), *Uncertain Unions: Marriage in England 1600-1753*, Oxford University Press.

روزنامه‌ها

- *اطلاعات*: ۱۳۰۷ش/۱۳۰۸ش/۱۳۱۰ش/۱۳۱۲ش/۱۳۱۴ش/۱۳۱۵ش/۱۳۱۶ش/۱۳۱۷ش/۱۳۱۹ش.
- *تربیت*: ۱۳۱۵ق/۱۳۲۳ق/۱۳۲۸ق.
- *تعلیم و تربیت*: ۱۳۰۴ش.
- *الجمال*: ۱۳۲۵ق.
- *خورشید*: ۱۳۲۵ق.
- *دانش*: ۱۳۳۸ق.
- *شکوفه*: ۱۳۳۱ق/۱۳۳۲ق/۱۳۳۳ق/۱۳۳۴ق/۱۳۳۸ق.
- *عالم نسوان*: سال ۱۳۰۵-۱۳۰۶ش.
- *کاوه*: ۱۳۳۸ق.

اسناد

- سند ۲۹۸/۸۲۱۲۹
- سند ۲۹۸/۸۲۱۳۰
- سند ۲۹۸/۸۲۲۶۹
- سند ۲۹۸/۸۲۱۸۹
- سند ۲۹۸/۷۷۳۹۳
- سند ۲۹۸/۸۳۱۵۶
- سند ۲۹۸/۸۲۲۶۹
- سند ۲۹۸/۸۵۶۸۷
- سند ۹۳/۲۹۸/۱۵۴۱

مقالات

- ابوالمعالی الحسینی، نسرين (تابستان ۱۳۸۷)، شکل شناسی ازدواج در شاهنامه فردوسی، فرهنگ مردم ایران، شماره ۱۳.
- قربانی، بیرگانی و ولی عرب، مسعود (پاییز ۱۳۹۶)، نقش ازدواج های سیاسی چنگیزخان در یکپارچگی مغولان، تاریخنامه خوارزمی، شماره ۱۸.
- حسین زاده، بهزاد و حسن رضایی باغبیدی (زمستان ۱۳۹۵)، سویم وره، رسم ازدواج طبقه جنگجوی هند و اروپایی، پژوهش های ایران شناسی، شماره ۲.
- روح‌الامینی، محمود (اردیبهشت ۱۳۷۰)، ساختار ازدواج‌های شاهنامه، چیستا، شماره ۷۸.
- صالحی، کورش و نادری، فرشید (پاییز و زمستان ۱۳۹۲)، ساختار اجتماعی ازدواج در دوره ساسانی، جامعه شناسی تاریخی، شماره ۲.
- منتظمی، علی (۱۳۸۴)، سیری در قباله های ازدواج دوره قاجار (به انگیزه گزارش بازدید از نمایشگاه فرمان‌ها در موزه ملی ملک)، پیام بهارستان، شماره ۵۱.
- هوشیار، مهران و سعیدآبادی، سلیمان (۱۳۸۷)، کاوشی در عقدنامه‌های عهد قاجار در ایران، رهپویه هنر، شماره ۶.